

به نام خدای مهربان



ماجراجویان کهکششان

۷

زندان های مشتری

رمان نوجوان - علمی تخیلی



تومی دونبوند • امیرحسین میرزاییان

زندانی‌های مشتری

تومی دونبوند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزاییان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

ویراستار: سیما طاهری

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۶۹۳

چاپ سوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

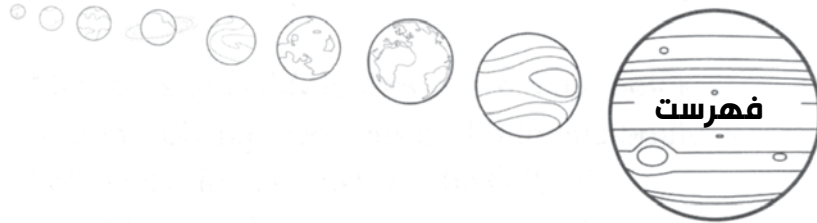
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۲-۲

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم



- با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید..... ۴
- جلسه‌ی تمرین کیهان..... ۶
- فصل اول: پنیر..... ۱۰
- فصل دوم: خلافکاران شرور..... ۱۷
- فصل سوم: بزرگ شدن..... ۲۴
- فصل چهارم: هم‌سلولی..... ۳۲
- خودآزمایی..... ۴۶
- چگونه از خواندن این کتاب بیشتر لذت ببریم؟..... ۴۷
- درباره‌ی نویسنده..... ۴۸
- پاسخ خودآزمایی..... ۴۸

سرشناسه: دونبوند، تامی Donbavand, Tommy

عنوان و نام پدیدآور: زندانی‌های مشتری/تومی دونبوند: امیرحسین میرزاییان.

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.

فروست: ماجراجویان کهکشان؛ ۷.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۲-۲ . دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Jailbreak on Jupiter

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) - قرن ۲۰.

شناسه افزوده: میرزاییان، امیرحسین، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ PZ7/د۸۷۹

رده بندی دیویی: [ج] ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۳۹۰۱



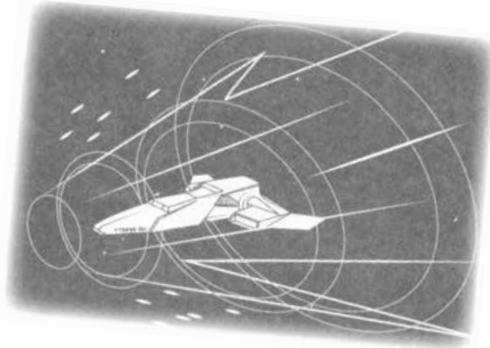
Paper from well managed forests
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

تحت تعقیب



جیزر



سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی

نام: ولت

سمت: دستیار

سن: خیلی خیلی پیر!

اهل سیاره: زهره

کار مورد علاقه: از آگروز

روی شانهاش بخار بیرون بزند و

اعلام کند: «پرش انجام شد!»

وَلت



نام: گاس باستر

سمت: رئیس کیهان

سن: ۱۵

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: ناگهان روی

صفحه‌ی مانیتور ظاهر شود و

فریاد بزند: «فایربال، کجایی؟»

گاس



۵

با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید

نام: دن فایربال

سمت: فرمانده

سن: ۱۲

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: پشت صندلی

فرماندهی پنهان شود و با ترس

بپرسد: «هنوز نرسیدیم؟»

دَن



نام: استرا مون

سمت: افسر ارشد

سن: ۱۱

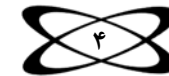
اهل سیاره: ماه

کار مورد علاقه: در مقابل

جیزر بایستد، یک گارد کاراته‌ای

بگیرد و بگوید: «بیا جلو!»

اَسْترا




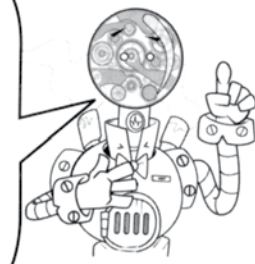
۴



جلسه‌ی تمرین کیهان

تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی

درود بر تازه‌واردها!
اسم من ولت است و معلم سایبری
امروز شما هستم. اگر می‌خواهید شما
هم یک مأمور کیهانی  باشید،
باید تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی را
بدانید، پس باید این بخش را بخوانید.



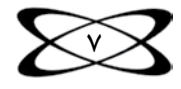
ولت

در آن دوران مشکلات زیادی وجود داشت. بزرگ‌ترها زمین را
آلوده کرده بودند و بدتر از
همه این که همین کار
را با هشت سیاره‌ی
دیگر منظومه‌ی
شمسی هم کردند.
حقیقت این است
که بزرگ‌ترها
تا مدت‌ها اصلاً
نمی‌دانستند پلوتن
واقعاً یک سیاره است!



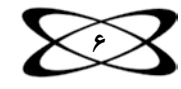
تا این که در سال ۲۲۸۱، بچه‌ها کنترل منظومه‌ی شمسی را به
دست گرفتند.

حالا دیگر بزرگ‌ترها در هجده
سالگی بازنشسته می‌شدند
و بچه‌ها آن‌ها را به خانه‌ی
سالمندانی که در ایستگاه‌های
فضایی ساخته شده بود
می‌فرستادند. بچه‌ها فقط سه سال
در مدرسه می‌ماندند و اکثرشان تا
هشت سالگی، دیگر صاحب شغل
شده بودند.

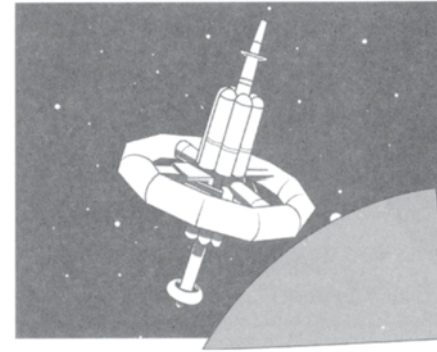


مدت‌ها پیش، بزرگ‌ترها کنترل همه
چیز را به دست داشتند. تمام شغل‌ها
مال آن‌ها بود، دولت‌ها را آن‌ها اداره
می‌کردند و تازه کنترل تلویزیون هم
همیشه دستشان بود.

بچه‌ها ناچار بودند تا هجده سالگی در
مدرسه بمانند. آن‌ها مجبور بودند هر
کاری که پدر و مادرشان می‌گفتند
انجام دهند. بزرگ‌ترها پول کمی هم
در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند که به
آن «پول توجیبی» می‌گفتند.



بدین ترتیب منظومه‌ی شمسی به سرعت به جایی شادتر، امن‌تر و تمیزتر برای زندگی تبدیل شد.



اما همه‌ی بزرگ‌ترها بازنشستگی را در هجده سالگی دوست نداشتند. عده‌ای شورش کردند و از خانه‌ی سالمندان گریختند. آن‌ها شروع کردن به ایجاد دردسر و انجام کارهای خلاف.

برای همین بود که سازمان **کیهان** به وجود آمد:

کیهان؛ مخفف این کلمات است:

کمپانی

یافتن

همه

اشتباهات

فابخشودنی

یکی از بدترین این خلافکاران، مردی به نام جیزر بود. هدف **کیهان** این بود که جلوی کارهای خلافتش را بگیرد.

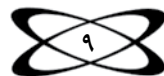


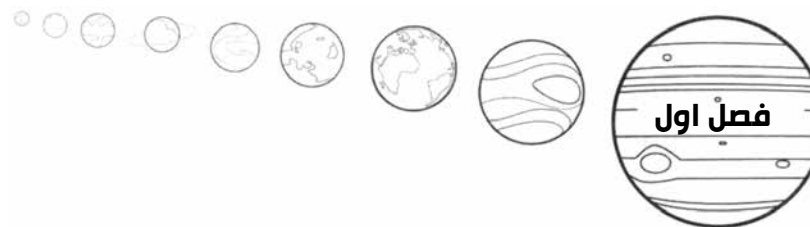
اعضای **کیهان** به همه جای منظومه‌ی شمسی سر می‌زدند تا معماهای پیچیده را حل و بزرگسالان خلافتکار را دستگیر کنند. سرنشینان سفینه‌های پرشی **کیهان** می‌توانستند از میان تونل‌های مغناطیسی نامرئی کهکشانی به نام منطقه‌ی پرش بگذرند و به دنبال ماجراهای تازه بروند، بنابراین به آن‌ها ماجراجویان کهکشانی می‌گفتند.



منم در کنار دن فایربال و استرا مون مشهور، عضو تیم ماجراجویان کهکشانی بودم.

حالا اگر ورق بزنید، می‌توانید داستان زندانی شدن فرمانده را بخوانید.





استرا گفت: «سالاد پنیر با سیب زمینی سرخ کرده! تمام صبح دلم این غذا را می خواست!»

یک روپات قدیمی برنجی در حالی که وارد کابین فرماندهی می شد گفت: «من هم برای ناهار حاضرم، دوشیزه استرا. صبح بسیار خسته کننده ای بود.» دریچه ای در سینه ی ولت باز شد و آتشی فروزان شعله می کشید. ولت شروع کرد به ریختن زغال سنگ داخل سینه اش.

استرا پرسید: «تو چطور، دن؟ تو امروز صبح چه کار کردی؟»

فرمانده دن فایرال که روی صندلیش نزدیک صفحه ی مانیتور جلوی سفینه نشسته بود، گفت: «به کارها رسیدم دیگر. به کارها رسیدم.»



پنیر

**گزارش رسمی وقایع سفرهای
سفینه ی فضای اچ اس اینفینیتی
مأموریت هفتم:
زندان های مشتری
گزارش از این قرار است:**

افسر ارشد، استرا مون، پشت میز نشست و گفت: «به این می گویند یک صبح شلوغ! فترهای پرشی سفینه را تعمیر کردم، فیلترهای ضد ماده را تمیز و چرخ های فرود را هم از گرد ستاره ای پاک کردم. حالا دیگر موقع ناهار است!»

او دکمه ای را روی کیبوردش فشار داد، سرپوش میز به کناری رفت و یک بشقاب غذا بالا آمد.

